

## بررسی مبانی و مفاهیم حقوق آموزش عالی و تدوین اساسی‌ترین مسائل آن در ایران

غلامرضا ذاکر صالحی<sup>۱</sup>

### چکیده

حقوق آموزش عالی شاخه‌ای از حقوق آموزش تلقی می‌شود. در این شاخه دو مبحث عمده حق آموزش عالی و حقوق آموزش عالی مطرح است. مبحث نخست زیربنای نظری حقوق آموزش عالی را تشکیل می‌دهد و از آن به حقوق بنیادین آموزش نیز تعبیر می‌شود. در مبحث دوم؛ یعنی حقوق آموزش عالی مسئله اصلی تنظیم مناسبات درونی آموزش عالی و همچنین، تنظیم روابط و حقوق متقابل آموزش عالی با دولت، شهروندان و سازمانهای دیگر مطرح است. در پژوهش حاضر در بخش نظری و مفهومی تلاش شده است تا این دو حوزه معرفی و مفاهیم اساسی آنها تبیین شود. گام دوم این پژوهش مسئله شناسی حقوق آموزش عالی در کشور ایران است. در این گام با اتکا به روش مطالعه اکتشافی مبتنی بر مصاحبه نیمه ساختار یافته با مدیران و خبرگان آشنا با موضوع، اساسی‌ترین مسائل و مشکلات موجود بازشناسی شده است. در پایان مجموعه‌ای از پیشنهادها برای تأسیس و توسعه حقوق آموزش عالی در کشور ایران و ارتقای کارایی و انسجام آن تدوین و ارائه شده است.

**کلید واژگان:** حق آموزش، حقوق آموزش عالی، قوانین آموزش عالی، حقوق بشر، ایران.

### مقدمه

حقوق آموزش عالی بخشی از قلمرو وسیع‌تر حقوق آموزش است. این قلمرو بزرگ‌تر نه تنها قوانین مربوط به تحصیلات عالی و پیش دانشگاهی، بلکه قوانین مربوط به تحصیلات پایین‌تر را نیز شامل می‌شود. «حق آموزش» در اعلامیه جهانی حقوق بشر و پس از آن در قوانین اساسی بیشتر کشورها ظهور و بروز داشته است. حقوق آموزش عالی به‌عنوان شاخه‌ای از این مبحث متأسفانه، از سطح مباحث محدود [عمدتاً نظری] فراتر نرفته است و از توسعه و بلوغ لازم برخوردار نیست؛ از این رو، انجام دادن یک مطالعه تجربی و تطبیقی را با مشکل مواجه می‌کند. کاپلین و لی سه نوع تقسیم‌بندی از حقوق آموزش عالی ارائه داده‌اند:

۱. استادیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی: Grsalehi@yahoo.com

۱. حقوق آموزش عالی عمومی و خصوصی؛

۲. حقوق مراکز آموزش عالی سکولار و مذهبی؛

۳. حقوق داخلی و حقوق مربوط به ارتباط با جهان خارج از دانشگاه.

این دو پژوهشگر متذکر می‌شوند که تمرکز بر مدیریت برای مطالعه قوانین آموزش عالی مهم است، زیرا فرایندها و ساختارهای مدیریت، محیط و ساختار قانونی و مدیریتی و ظهور مسائل و اختلافات ضرورت ایجاد چارچوبی برای یافتن راه حل مشکلات و اختلافات را گریزناپذیر کرده است. به نظر آنان ساختارها و فرایندهای مدیریت آموزش عالی تفاوت بارزی با ساختارهای آموزش ابتدایی و دبیرستان دارد (Kaplın and Lee, ۲۰۰۷).

به نظر می‌رسد مباحث مهم و اساسی چون حق دسترسی به آموزش عالی، تحصیلات رایگان، حق دایر کردن آموزشگاه، استقلال دانشگاهها، حقوق استاد و دانشجو، آموزش عالی اقلیتهای مذهبی و قومی، آموزش عالی گروههای ویژه چون استعدادهای درخشان، سهمیه‌بندی جنسیتی، حقوق مالکیت فکری دانشگاه و بسیاری از مسائل دیگر در قلمرو مبحث «حقوق آموزش عالی» جای می‌گیرند. در وهله نخست می‌توان اذعان کرد که هیچ اثر مکتوب فارسی که به طور مستقیم حقوق آموزش عالی را مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار داده باشد، در دسترس نیست. اما آثار پراکنده‌ای یافت می‌شود که به نوعی متضمن ابعاد و آثار حقوقی هستند. این آثار را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. آثار و متون حقوقی که مشتمل بر دو دسته‌اند:

الف. تحلیل قوانین و مقررات آموزش عالی: در این زمینه آثار مکتوب چندانی در دست نیست و فقط در دوره دکتری مطالعات آموزش عالی دو واحد درسی به این عنوان پیش‌بینی شده است.

ب. جمع‌آوری و تدوین قوانین و مقررات آموزش عالی: در این زمینه می‌توان به کتاب مجموعه ضوابط و مقررات استخدامی اعضای هیئت علمی (۲۰۰۷، Shariate)، کتابهای مجموعه قوانین آموزش عالی (۲۰۰۱، Davari Ardakani) و قوانین آموزش عالی (۱۹۹۵، Golpaygani) اشاره کرد. این آثار جنبه خدمات حقوقی دارند و اثر علمی و پژوهشی تلقی نمی‌شوند. ضمن آنکه اداره کل حقوقی وزارت علوم موظف به گردآوری و به روزرسانی این قوانین و مقررات است.

۲. آثار و متونی که ماهیت برنامه‌ریزی - حقوقی دارند که از جمله این آثار می‌توان به تدوین بخش آموزش عالی برنامه‌های توسعه و تدوین اسناد ملی چون سند ملی نخبگان (۲۰۰۴، Zakersalehi) و سند پژوهش و فناوری (۲۰۰۶، Departement of Research) اشاره کرد.

۳. آثار و مطالعاتی که جنبه مدیریتی - حقوقی دارند و به نحوه اداره بهتر مراکز علمی و حل مسائل و مشکلات آنها برمی‌گردد. در این آثار نیز کمتر به جنبه‌ها و ابعاد حقوقی قضیه پرداخته و عمدتاً جنبه‌های مدیریتی مسئله برجسته شده است، از قبیل مشارکت زنان در آموزش عالی (Hosseini and Salehi, ۲۰۰۱، Zakersalehi, ۲۰۰۹)، لزوم تأسیس و تعیین جایگاه شورای مرکزی دانشگاهها (Taslimi,

(۲۰۰۰) و مطالعه دانشگاه تهران (University of Tehran, ۱۹۹۶) در خصوص اعطای اختیارات اجرایی مالی و استخدامی و آموزشی به دانشگاهها و طرحها و پژوهشهای مشابه دیگر. این مطالعه مشتمل بر دو بخش است: در بخش نظری مبانی حق بر آموزش<sup>۲</sup> مورد تدقیق و تفسیر قرار گرفته و اسناد بین‌المللی بررسی شده است. همچنین، ابعاد و ساختار کلی حقوق آموزش عالی<sup>۳</sup> بدون وارد شدن به جزئیات قوانین [در سطح کلان] به ویژه رابطه مدیریت آموزش عالی با حقوق آموزش عالی، سطوح حقوق آموزش عالی و معرفی قلمروها و مباحث اصلی آن در سطح آموزش عالی جهان بررسی و سپس، فرایند مطالعه اکتشافی به منظور کشف کلیدی ترین مسائل حقوق آموزش عالی در کشور ایران ارائه شده است.

**ادبیات تحقیق و آموزه‌های نظری:** امروزه، از سه نوع حق یا به عبارت سه نسل حقوق صحبت به میان می‌آید و هر حقی حداقل در یکی از این نسله‌ها تعریف می‌شود که به نسله‌های سه‌گانه حقوق بشر معروف هستند:

۱. نسل اول حقوق: حقوق نسل اول عمدتاً همان حقوق و آزادی‌های سیاسی- مدنی هستند، مانند حق آزادی بیان، حق انتخاب محل اقامت و حق آزادی انتخاب مذهب.
۲. نسل دوم حقوق: نسل دوم حقوق بشر به حوزه اجتماعی و اقتصادی مربوط می‌شود، شامل حقوقی همچون آموزش، مسکن، مراقبت بهداشتی، اشتغال و سطح مناسب زندگی. مهم‌ترین وجه اشتراک دو نسل اول و دوم حقها تأکید هر دو آنها بر فرد انسانی یا به عبارت دیگر، صاحب حق بودن فرد است که این خصیصه در نسل سوم حقوق بشر وجود ندارد.
۳. نسل سوم حقوق: به وجود آمدن نسل سوم حقوق به دلیل ظهور نیازهای جدید بشری بود. روند رو به گسترش انسانی، بین‌المللی، اجتماعی و اخلاقی شدن حقوق بین‌الملل و حقوق بشر و نیز کاستیهای نسله‌های اول و دوم موجب ظهور نسل سوم حقوق بشر شد. در حقوق نسل سوم یا حقوق همبستگی از فرد انسانی صحبت نمی‌شود، بلکه بر شهروند جهانی تأکید می‌شود (Iranmehr, ۲۰۰۸). بنابراین، مسائل مربوط به حق آموزش از نظر بنیادی بودن در نسل اول و از نظر وظایف دولتها و ابعاد اجتماعی آن در نسل دوم حقوق بشر مورد بحث قرار می‌گیرد.

**حقوق آموزش عالی چیست؟** در سال ۱۹۵۹ بردال در خصوص دانشگاههای بریتانیایی و دولت نوشت: «دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مانند هر شخصیت حقوقی دیگری در جامعه باید در یک چارچوب مرجع قانونی و تشکیلاتی حرکت کنند که بدون آن حیات مرتب و منظم آنان ناممکن خواهد بود». حقوق آموزش عالی این چارچوب قانونی مرجع را، هم برای بدنه خاص قوانین حقوقی که در

۲. Education Right

۳. Higher Education Law

خصوص مؤسسات آموزش عالی به کار می‌رود - اعضا، کارکنان و دانشجویانشان - و هم برای آن عناصری از قانون عمومی که فعالیتها و زندگی روزمره‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، فراهم می‌آورد. امروزه، موضوع حقوق آموزش عالی از موضوعی خاص و خصوصی به موضوعی عام و معمولی تبدیل شده است، با وجود این، مسائل مهمی که در باره آنها هر رئیس، مدیر و استادی باید درک کلی و اجمالی داشته باشد، بسط پیدا کرده است، مانند حراست از مالکیت معنوی و اطلاعات شخصی، استخدام متناسب و قانون خطای مدنی (شبه جرم)، اصول مدیریت شایسته بر دانشگاه و حل و فصل اختلافات. در حالی که تأمین مالی آموزش عالی معمولاً وظیفه دولت دانسته می‌شود، افزایش آموزش عالی خصوصی و نیز تمایل عمومی به انتقال بار تأمین مالی آموزش پس از دوره متوسطه به مصرف کنندگان آن، چالشها و گرایشهای جدیدی را در حقوق آموزش عالی، از عمومی به خصوصی، به وجود آورده است (Farrington and Palfreyman, ۲۰۰۶).

سینیبالدو دو فیسی [که بعدها پاپ معصوم چهارم شد] در سال ۱۲۴۳ گفت: «دانشگاه از دو عنصر تشکیل شده است: بیرونی و درونی؛ یعنی به رسمیت شناخته شدن توسط مقامات قانونی و اراده عمومی و مشترک اعضایی که به جامعه «خود-تشکیل شده» انسجام و شکل رسمی می‌بخشند». در اروپای قدیم دانشگاهها اختیار خود را برای اعطای مدرک، مستقیم از خاندان سلطنتی به عنوان جانشین دربار پاپ دریافت می‌کردند. در حالی که گه گاه در طی قرون اصلاحاتی از طریق وضع قوانین در خصوص دانشگاههای قدیمی تر به عمل می‌آمد. فقط در سال ۱۹۸۸ بود که اراده سیاسی کافی، که به طور جدی خودمختاری تقریباً مطلق مؤسسات را در استفاده از بودجه همگانی به چالش بکشد، شکل گرفت (Farrington and Palfreyman, ۲۰۰۶). هر چند نظر این دو نویسنده از منظر تاریخی است و دانشگاه مدرن اروپایی از کلیسا جدا شده بود، اما تاریخ رواج آزادی علمی و خودمختاری به قبل از سال ۱۹۸۸؛ یعنی الگوی دانشگاه هومبولتی یا حتی پیش از آن بر می‌گردد.

از نظر حقوقی نظامهای جهانی آموزش عالی در شرایطی از تغییر سریع و پی در پی و نیز توسعه قرار دارند و گرایش عمومی کشورها به ساده‌سازی قانونگذاری آموزش عالی است تا نظامهای ملی را منعطف تر و در برابر چالشها پاسخگوتر سازند. افزایش خودمختاری درونی مؤسسات، تدابیر عمومی صورت گرفته برای ارتقای کیفیت، تضمین نحوه مدیریت کارآمد و پاسخگو، حفاظت از اعضای ضعیف جامعه دانشگاهی، رقابتی‌تر کردن مؤسسات در بازار جهانی و تضمین رهایی از مداخلات سیاسی در کار آکادمیک مؤسسات، با اهمیت بسیار قابل شدن برای مدیریت کارآمد شامل بهبود منابع انسانی و برنامه‌ریزی استراتژیک و مالی فرین شده است.

هدف قواعد حقوقی در آموزش عالی تسهیل کار مؤسسات منعطف و پاسخگویی است [یا باید باشد]، نه گرفتار کردن در منجلاب دیوانسالاری، فرم پر کردن و نظارت مستمر. با وجود این، ما بر اهمیت بذل توجه لازم رؤسا و مدیران مؤسسات آموزش عالی [شاید توجهی بیشتر از آنچه در سالهای اخیر معمول بوده است] به کاربرد صحیح قواعد حقوقی در اتخاذ تصمیمات قانونی تأکید می‌شود (Farrington and Palfreyman, ۲۰۰۶).

**حق آموزش (حق بر آموزش):** حقوق آموزش را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: نخست حق بر آموزش که در شمار حقوق بنیادین بشر است و دوم حقوق آموزش که مناسبات نهاد آموزش و جامعه و دولت را تنظیم و حراست می‌کند. در این بخش مبحث «حق بر آموزش» را مد نظر قرار می‌دهیم.

مفهوم حق آموزش هم در نسل اول حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸) و هم در نسل دوم حقوق بشر با تفصیل بیشتر مورد نظر و تأکید جامعه بین‌المللی قرار گرفته و از این حیث اهمیت مضاعف یافته است. آموزش هم حقی طبیعی و هم عرفی است و جایگاه رفیعی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر دارد. کشور ما اعلامیه جهانی حقوق بشر را بدون هیچ حق شرط و تحفظ پذیرفته است. از سویی، در سال ۱۳۵۴ در مجلس شورای ملی دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به تصویب رسید و بدین ترتیب، حکم قواعد امره را پیدا کرد. زیرا بر اساس ماده ۹ قانون مدنی قوانین بین‌المللی در صورت تأیید مجلس شورای اسلامی همانند قوانین داخلی لازم الاجرا می‌شوند. از این بالاتر، به دلیل فراملی بودن اعلامیه جهانی حقوق بشر و این دو میثاق بر تمام مصوبات داخلی اعم از قانون اساسی و قانون مدنی برتری دارد، زیرا هم ضمانت اجرای داخلی و هم بین‌المللی دارند. از نظر شرعی نیز با توجه به آیه «وفوا بالعقود» فعل اوفوا به صورت امر آمده است؛ بدین معنا که خداوند دستور فرموده است مسلمانان با هر کس قرارداد داشته باشند، به اجرای آن ملتزم باشند. این اسناد بین‌المللی به همراه خود ادبیات ویژه‌ای را در خصوص حق بر آموزش خلق کرده‌اند که برخی مفاهیم آن عبارت‌اند از: آزادی آموزشی، استقلال آموزشی، برابری فرصتهای آموزشی، عدالت آموزشی و ...

به منظور آشنایی با اسناد مهم بین‌المللی در زمینه حق آموزش، به یازده سند مهم و معتبر بین‌المللی در این زمینه اشاره می‌شود. برخی از این اسناد صرفاً جنبه توصیه یا اعلامیه دارند و برای ما الزام‌آور نیستند، اما بخشی از میراث جهانی حق آموزش به شمار می‌روند و مرور آنها مفید است.<sup>۴</sup>

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ۲. اعلامیه اسلامی حقوق بشر - قاهره؛ ۳. کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات- مصوب ۱۹۶۰؛ ۴. یونسکو و حقوق و مسئولیتهای جوانان در خصوص تحصیل؛
۵. کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۹۰؛ ۶. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ملل متحد - مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶؛ ۷. ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک (حق آموزش و پرورش)؛ ۸. کنفرانس بین‌المللی یونسکو در خصوص جوانان (گرنوبل، فرانسه، ۲۳ اوت تا ۱ سپتامبر ۱۹۶۴)؛ ۹. بیانیه نشست وزرای مسئول جوانان کشورهای مشترک المنافع - ۱۹۹۲؛
۱۰. پیش نویس لایحه آزادی دانشگاهی و حقوق جوامع دانشگاهی - پراگ ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲؛ ۱۱. اعلامیه جهانی آموزش برای همه<sup>۵</sup>: تایلند ۱۹۹۰.

۴. برای مشاهده تفصیلی به گزارش تحقیق در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی مراجعه شود.

علاوه بر موارد یادشده، در قوانین اساسی کشورها نکات مهمی در خصوص جنبه‌های مختلف حق آموزش درج شده که خلاصه‌ای از آنها در جدول ۱ آمده است. این موارد مشتعل بر ایده‌هایی است که به صورت مستقیم به حق آموزش اشاره دارد.

جدول ۱- حق آموزش در قوانین اساسی ۲۰ کشور

کشور	اصل/اصول مربوط	تأکید اصلی	کشور	اصل/اصول مربوط	تأکید اصلی
ژاپن	اصل ۲۶	<ul style="list-style-type: none"> <li>آموزش مساوی</li> <li>آموزش اجباری رایگان</li> </ul>	سوریه	اصل ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴	<ul style="list-style-type: none"> <li>حمایت دولت از دانش و تحقیقات</li> <li>آموزش رایگان و اجباری</li> </ul>
کره جنوبی	اصل ۳۱	<ul style="list-style-type: none"> <li>آموزش مساوی</li> <li>آموزش اجباری رایگان</li> <li>بی‌طرفی سیاسی در آموزش</li> <li>استقلال داخلی مؤسسات آموزش عالی</li> <li>آموزش دایمی شهروندان</li> </ul>	کویت	ماده ۱۳ و ۴۰	<ul style="list-style-type: none"> <li>حمایت دولت از آموزش</li> <li>آموزش ابتدایی رایگان و اجباری</li> </ul>
کانادا	اصل ۹۳	<ul style="list-style-type: none"> <li>عدم خدشه به حقوق و امتیازات مدارس فرقه‌ای و مدارس گروه‌های خاص و اقلیتها</li> <li>حفاظت قانونی از نظام مدارس خصوصی و مدارس اقلیتها</li> </ul>	بلژیک	اصل ۲۴	<ul style="list-style-type: none"> <li>آزادی آموزش</li> <li>بی‌طرفی در آموزش</li> <li>احترام به دیدگاههای فکری عقیدتی و مذهبی در آموزش</li> <li>آموزش اجباری و رایگان</li> <li>برابری همه دانش آموزان و دانشجویان و والدین در برابر قوانین</li> <li>قانونی بودن سازماندهی، به رسمیت شناختن یا تأمین مالی آموزش</li> </ul>
سوئیس	اصل بیست و هفتم اصل بیست و هفتم - مکرر ۳ و ۵	<ul style="list-style-type: none"> <li>آموزش ابتدایی رایگان و اجباری</li> <li>آزادی مذهب و عقیده در مدارس دولتی</li> <li>کمک مالی به آموزش و پرورش</li> <li>استقلال ایالتها در امر آموزش و پرورش</li> <li>تشویق به انجام دادن تحقیقات علمی</li> </ul>	عربستان	ماده ۱۳ ماده ۳۰	<ul style="list-style-type: none"> <li>مبتنی بودن آموزش بر اعتقاد اسلامی</li> <li>آموزش عمومی رایگان و مبارزه با بی‌سوادی</li> </ul>
اسپانیا	اصل ۴۴	<ul style="list-style-type: none"> <li>الزام دولت به توسعه آموزش</li> <li>الزام دولت به هدایت آموزش و تحقیقات به سوی منافع عمومی</li> </ul>	الجزایر	اصل ۵۳	<ul style="list-style-type: none"> <li>آموزش رایگان</li> <li>آموزش ابتدایی اجباری</li> <li>آموزش مساوی</li> <li>نظارت دولت بر آموزش حرفه‌ای</li> <li>سازماندهی آموزش توسط دولت</li> </ul>

## ادامه جدول ۱

کشور	اصل/اصول مربوط	تأکید اصلی	کشور	اصل/اصول مربوط	تأکید اصلی
ایتالیا	اصل ۹ اصل ۳۳ اصل ۳۴	<ul style="list-style-type: none"> <li>کمک دولت به توسعه امور فرهنگی و تحقیقات علمی</li> <li>آزادی علم و آموزش</li> <li>تأسیس مدارس دولتی</li> <li>آزادی کامل مدارس خصوصی و برابری آنها با مدارس دولتی</li> <li>آزادی تشکیلات مستقل در دانشگاهها و فرهنگستانها</li> <li>آزادی تحصیلات آموزش ابتدایی رایگان و اجباری</li> <li>کمک دولت به تحصیل افراد شایسته و با استعداد</li> </ul>	اندونزی	اصل ۳۱ اصل ۳۲	<ul style="list-style-type: none"> <li>کنترل دولت بر آموزش</li> <li>اداره مدارس مذهبی توسط وزارت امور دینی</li> <li>آموزش ابتدایی اجباری</li> <li>برخورداری از حق آموزش</li> <li>الزام دولت به تأمین آموزش همگانی</li> </ul>
رومانی	اصل ۲۱	<ul style="list-style-type: none"> <li>آموزش عمومی اجباری</li> <li>آموزش رایگان در تمام سطوح</li> </ul>	مراکش	اصل ۱۳	<ul style="list-style-type: none"> <li>آموزش مساوی</li> </ul>
لبنان	اصل ۱۰	<ul style="list-style-type: none"> <li>آزادی آموزش</li> <li>آزادی مدارس خاص جوامع مختلف</li> </ul>	جمهوری نیجر	اصل ۱۱ و ۱۹	<ul style="list-style-type: none"> <li>حق آموزش</li> <li>حمایت دولت از آموزش</li> </ul>
عراق	اصل ۲۷ اصل ۲۸ اصل ۲۹	<ul style="list-style-type: none"> <li>آموزش رایگان در کلیه سطوح</li> <li>آموزش ابتدایی اجباری</li> <li>گسترش آموزش فنی حرفه‌ای در روستاها</li> <li>گسترش آموزش شبانه</li> <li>تضمین آزادی تحقیقات علمی</li> <li>تشویق ابتکارات علمی</li> <li>اعتلا و گسترش سطح آموزش عمومی</li> <li>ترویج تفکر علمی و روحیه تحقیقاتی</li> <li>تعهد دولت به تمهید شرایط استفاده از موفقیت‌های علمی جهان</li> </ul>	ایران	اصل ۳ اصل ۱۵ اصل ۱۶ اصل ۳۰ اصل ۳۳	<ul style="list-style-type: none"> <li>آموزش رایگان تا پایان متوسطه</li> <li>تسهیل و تعمیم آموزش عالی</li> <li>تقویت روحیه بررسی و تشع و ابتکار</li> <li>آزادی تدریس زبانهای محلی و قومی</li> <li>تدریس زبان عربی</li> <li>تربیت افراد ماهر به نسبت</li> <li>احتیاج کشور</li> </ul>
امریکا	در خصوص حق آموزش مطلب خاصی وجود ندارد		فرانسه	در خصوص حق آموزش مطلب خاصی وجود ندارد	

منابع: (Madani, ۲۰۰۹; Maddex Robert, ۱۹۹۶; Negahe Bayyeneh Institute; ۲۰۰۸)

**چند نکته مهم در باره حق آموزش:** کمیته تفسیر عمومی میثاق حقوق اقتصادی در نظریات تفسیری خود نکات مهمی را توضیح داده که ذکر آنها ضروری است و از جمله آنها چهار ویژگی مهم در حق دریافت آموزش است:

**الف) در اختیار بودن.** نهادهای برنامه‌های آموزشی کارکردی باید به تعداد لازم در محدوده صلاحیت دولت عضو در اختیار باشد. کارکرد لازم این نهادها و برنامه‌ها به عوامل متعددی بستگی دارد، از جمله بافت توسعه‌ای که در آن عمل می‌کنند، مثلاً همه نهادها و برنامه‌ها احتمالاً به ساختمانها، دیگر عناصر

حمایتی، تسهیلات بهداشتی و نظافتی برای هر دو جنسیت، آب آشامیدنی سالم، معلمان آموزش دیده که حقوق رقابتی داخلی دریافت می‌کنند، مطالب آموزشی و غیره نیاز دارند و در عین حال، برخی به امکاناتی نظیر کتابخانه، لوازم کامپیوتری و فناوری اطلاعات هم نیاز خواهند داشت.

**ب) قابلیت دسترسی.** نهادهای و برنامه‌های آموزشی باید برای همه، بدون تبعیض در صلاحیت کشور عضو قابل دسترسی باشد. دسترسی‌پذیری دارای سه جنبه متداخل و همپوش است:

عدم تبعیض – آموزش باید برای همه، به ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر، هم از نظر قانونی و هم در عمل، بدون تبعیض مبتنی بر دلایل ممنوعه قابل دسترسی باشد؛

قابلیت دسترسی فیزیکی – آموزش باید به طور سالم و ایمن در محدوده دسترسی فیزیکی باشد، خواه با حضور در محل جغرافیایی که به صورت معقول مناسب و راحت است [مثل مدرسه‌ای در محل] یا از طریق فناوری نوین [مثل دسترسی به برنامه «آموزش از راه دور»]؛

قابلیت دسترسی اقتصادی – آموزش باید از نظر هزینه برای همه قابل تحمل باشد. این بُعد از دسترس‌پذیری با عبارات متفاوتی در بند ۲ ماده ۱۳ در ارتباط با آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی بیان شده است: در حالی که آموزش ابتدایی باید «رایگان» در اختیار همه باشد، کشورهای عضو ملزم هستند به تدریج آموزش متوسطه و عالی رایگان را ارائه دهند.

**ج) قابل پذیرش بودن.** شکل و محتوای آموزش از جمله برنامه‌های درسی و شیوه‌های تدریس باید برای دانش‌آموزان و در مواردی مقتضی برای والدین پذیرفتنی [مثلاً ذی‌ربط، مناسب از نظر فرهنگی و دارای کیفیت خوب] باشد؛ این امر به اهداف آموزشی مقرر در ماده ۱۲ (۱) و حداقل ضوابط آموزشی مورد تأیید دولت بستگی دارد است (ماده ۱۳، ۲ و ۴).

**د) انطباق‌پذیری.** آموزش باید به گونه‌ای انعطاف‌پذیر باشد که بتواند با نیازهای جوامع و جمعیت‌های متحول سازگار باشد و به نیازهای دانش‌آموزان در شرایط متنوع اجتماعی و فرهنگی آنان پاسخ دهد.

این کمیته نظریه خود را در خصوص رایگان بودن آموزش چنین بیان داشته است: «ایجاد تدریجی آموزش رایگان» بدین معناست که گرچه دولت‌ها باید اولویت را به تأمین آموزش ابتدایی رایگان بدهند، ولی این تعهد را هم دارند که اقداماتی ملموس در جهت نیل به آموزش متوسطه و عالی رایگان اتخاذ کنند (Mitusi, ۲۰۰۸).

**جمع‌بندی مبحث حق آموزش:** آموزش دیگر مانند گذشته کالایی تجملی و لوکس نیست. برخلاف دنیای قدیم، خانواده به تنهایی قادر نیست آموزش‌های لازم برای حضور در زندگی اجتماعی را به فرزندان منتقل کند. زندگی در جهان امروز داشتن آگاهیها و مهارت‌هایی را می‌طلبد که انتقال آنها به فرزندان از توانایی خانواده خارج است. واضح است که ضرورت آموزش برای ایفای نقش‌های موفق و حرفه‌ای بیشتر خود را نشان می‌دهد.



جوامع امروزی دیگر نمی‌توانند به آموزش فقط به عنوان حق آزادی فرد نظر داشته باشند، زیرا فرد آموزش ندیده نه تنها برای خود دردسرساز است، که برای جامعه نیز هزینه آفرین است. پس آموزش از یک سو حق افراد و از سوی دیگر، حق جامعه است. از یک سو حق ادعای افراد است بر جامعه و جامعه مکلف به تأمین آن و از سوی دیگر، حق ادعای جامعه و فرد مسئول و موظف در مقابل آن است. بنابراین، در چارچوب حقوق بشر معاصر حق بر آموزش هم یک حق منفی<sup>۶</sup> و هم یک حق مثبت است و از یک سو حق حمایتی و از سوی دیگر، یک آزادی انتخاب است (Ghari Seyedfatemi, ۲۰۰۹).

در خصوص حق آموزش عالی به همان نسبت که از آموزش ابتدایی به سمت متوسطه و عالی و حرفه‌ای حرکت می‌کنیم، حق ادعایی و تعهدات دولت [دستکم می‌توان گفت در برخی کشورها] کم‌رنگ‌تر می‌شود. اما دقت نظر بیشتر در اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که گرایش رو به نزدیکی به سوی تعهد به نتیجه در مراحل بعدی آموزش نیز مشاهده می‌شود.

در باره آموزش اجباری انحصار آن به آموزش ابتدایی شفاف است و در برخی از کشورها آموزش پایه را نیز شامل می‌شود، اما در خصوص آموزش رایگان این تعهد به تلاش برای تعمیم و تسهیل و دسترسی به آموزش عالی تفسیر می‌شود و اصل مسئله به مقطع ابتدایی محدود نیست. آزادی تأسیس آموزشگاه و آزادی انتخاب آموزشگاه برای فرزندان (اعم از سکولار، مذهبی، خاص یا ...) به راحتی به آموزش عالی قابل تعمیم است. شرایط کیفی آموزشها [مانند حس کرامت و رشد شخصیت انسانی یا ذی‌ربط بودن، مناسب از نظر فرهنگ و دارای کیفیت خوب] و همچنین، ویژگیهای دیگری چون در اختیار بودن، قابلیت دسترسی فیزیکی و اقتصادی، قابل پذیرش بودن و قابلیت انطباق‌پذیری کاملاً به سطوح آموزش عالی نیز دلالت می‌کند و هیچ‌گونه حصری در اسناد بین‌المللی وجود ندارد.

این اسناد نسبت به یکدیگر وضعیت مکمل و مفسر هم بودن را دارند، به‌گونه‌ای که برای تحقق هر بند از حق آموزش باید بند مرتبط در سند دیگر نیز تحقق پیدا کند. کمیته تفسیر میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر این امر صحنه گذاشته و این نگاه سیستمی و جامع را توصیه کرده است. برای مثال، در بند ۳۳ و ۳۴ تفسیر عمومی ماده ۱۳ خواستار تحقق ماده ۳ کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش (۱۹۶۰) و ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک شده است تا بتوان به اهداف ماده ۱۳ جامعه عمل پوشاند.

کشور ما تمام اسناد و قوانین و کنوانسیونهایی را، که بخشهای مربوط به حق آموزش آنها را مرور کردیم، امضا نکرده است، اما اولاً، همان چند موردی که کشور ایران به آنها پیوسته است، مانند کنوانسیون حقوق کودک، آموزش برای همه، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... مشتمل بر تعهدات گرانسنگ و مختلفی است که تأمین نشدن آنها و نادیده

۶ حق منفی (Negative Right) جنبه سلبی یک حق را در نظر دارد. حق حیات یک حق منفی است؛ یعنی حق این است که دیگری

انگاشتن حقوق افراد به وجهه و اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی صدمه وارد می‌کند. ثانیاً، اسناد و کنوانسیون‌هایی که بدانها نپیوسته‌ایم چنانچه به مرحله عرف بین‌المللی رسیده باشند نیز لازم الاتباع می‌شوند.

نگرانی که وجود داشته است و وجود دارد، به ضمانت اجرای حق آموزش مربوط می‌شود. در بخش مربوط به قانون اساسی رئیس‌جمهور به عنوان مجری قانون اساسی مسئول حسن اجرای آن است و در مقابل، مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه پاسخگو هستند. مطالبات مدنی نیز بخش دیگری از پشتوانه ضمانت اجراست که معمولاً نهادهای غیردولتی آنها را دنبال می‌کنند. برخی از اسناد و کنوانسیونها مانند میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز دارای پروتکل الحاقی هستند که به فرد اجازه می‌دهد در صورت تضییع حق، مسئله را پیگیری و احقاق حق کند. امید است که جمهوری اسلامی به این پروتکل بپیوندد و بدین ترتیب، راه برای ارتقای چشمگیر ضمانت اجرایی این میثاق در کشور ایران فراهم شود. ماده ۹ قانون مدنی ایران نیز راه دیگری برای تقویت میزان تحقق اسناد و کنوانسیونهای بین‌المللی است که پیگیری مفاد آنها را در داخل کشور میسر می‌سازد.

در ارتباط با حق آموزش آنچه بسیار اهمیت دارد و در کشورهای جهان سوم از اهمیت مضاعف برخوردار است، رویکرد و تلاش دولتهاست. خوشبختانه، کمیته تفسیر میثاق حقوق اقتصادی توجه ویژه‌ای به این امر داشته است. اگر در مبحث حقوق آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را به عنوان نهاد مسئول تلقی کنیم، توجه و تأمل مدیران آموزش عالی در واژگان به کار رفته در تفسیر عمومی این کمیته بسیار راهگشاست. برای نمونه موارد زیر را مورد تأکید قرار می‌دهیم:

۱. اقدامات دولتها باید سنجیده، ملموس و هدفمند در پی تحقق کامل حق بر آموزش باشد؛  
 ۲. برخی تعهدات دولتها اثر فوری دارند، مانند تضمین عدم تبعیض و تعهد به «اتخاذ اقدامات» به منظور تحقق کامل ماده ۱۳؛

۳. کشورهای عضو تعهدی خاص و مستمر دارند تا با نهایت شتاب و کارایی ممکن به منظور تحقق کامل ماده ۱۳ حرکت کنند؛

۴. هر گونه اقدام قهقریایی در خصوص حق آموزش در میثاق غیرمجاز است؛  
 ۵. دولتها ملزم به داشتن راهبرد ملی آموزش مشتمل بر شاخصها و معیارهای مربوط به حق بر آموزش هستند (بند ۵۲ تفسیر عمومی میثاق).

علاوه بر میثاقها و کنوانسیونهای بین‌المللی، همان‌گونه که در بررسی قوانین اساسی کشورها ملاحظه شد، معمولاً چند نکته اساسی در بندهای مرتبط با حق آموزش که به عنوان یک حق بنیادین مورد تأکید و توجه بوده است، وجود دارد: آموزش رایگان، آموزش اجباری، آموزش جهت‌دار به سوی رشد شخصیت انسانی، آزادی انتخاب آموزشگاه و آزادی تأسیس آموزشگاه. همان‌گونه که پیشتر گفتیم، از موارد یاد شده بجز مبحث آموزش اجباری بقیه موارد به سطوح عالی قابل تعمیم است.

**حقوق آموزش عالی:** پس از فراغت از مبحث حق آموزش که رکن اصلی موضوع مطالعه است، ابعاد حقوق آموزش عالی بررسی می‌شود.

**قلمرو حقوق آموزش عالی:** قوانین تحصیلات عالی بخشی از قلمرو وسیع‌تر تحصیلات عالی است. این قلمرو نه تنها قوانین مربوط به تحصیلات عالی و پیش‌دانشگاهی دیگر را در بر می‌گیرد، بلکه قوانین مربوط به تحصیلات پایین‌تر را نیز شامل می‌شود که این تحصیلات شامل تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و پیش‌دبستانی است. این بخش‌های عالی و پایین‌تر می‌توانند به بخش‌های تحصیلات عمومی و خصوصی، همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، به منظور تولید یک جهان چهار وجهی، تحصیلات عمومی و خصوصی، تحصیلات پایین‌تر عمومی و خصوصی تقسیم شوند. در آخر، چهارگوش تحصیلات خصوصی می‌تواند به تحصیلات خصوصی که به وسیله مؤسسات غیردینی و مؤسسات مذهبی فراهم می‌شود، تقسیم شود. هر بخشی که در این جدول نشان داده شده، به طور قانونی از بخش‌های دیگر متمایز شده است.

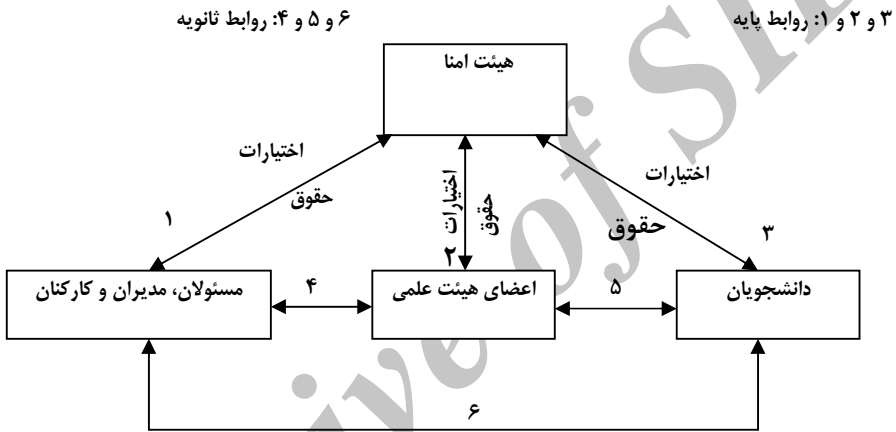
جدول ۲- قلمرو قوانین آموزشی (Kaplan and Lee, ۱۹۹۷)

سطح	آموزش خصوصی		آموزش دولتی
	غیر سکولار	سکولار	
آموزش عالی	دانشگاهها و کالجهای مذهبی خصوصی	دانشگاهها و کالجهای سکولار خصوصی	دانشگاهها و کالجهای دولتی
آموزش عمومی و متوسطه	مدارس ابتدایی و راهنمایی مذهبی خصوصی و مدارس آمادگی و پیش‌دبستانی	مدارس ابتدایی و راهنمایی سکولار خصوصی و مدارس آمادگی و پیش‌دبستانی	مدارس ابتدایی و راهنمایی دولتی و مدارس آمادگی و پیش‌دبستانی

تقسیم‌بندی یادشده از این نظر که در قانون اساسی برخی کشورها آموزش پایه باید سکولار و غیر دینی باشد، شمول لازم را ندارد و استثنا بردار است. همچنین، فقط تقسیم بخش خصوصی به سکولار و غیرسکولار نیز با واقعیت‌های تاریخی و کنونی سازگاری ندارد، زیرا در مواردی نهادهای آموزشی بخش عمومی دینی هم وجود داشته است. نکته دیگر اینکه با توجه به روند روز افزون استقلال دانشگاهها به ویژه در غرب دیگر نمی‌توان دانشگاهها را دولتی تصور کرد. هر چند می‌توان دانشگاههایی را که از بودجه‌های دولتی استفاده می‌کنند، متعلق به بخش عمومی دانست، زیرا نحوه مدیریت و اداره آنها دولتی نیست.

**روابط قانونی نهادهای آموزش عالی:** مدیریت و رهبری یک نهاد آموزش عالی به‌طور کلی و عمومی بر عهده هیئت امناست. این هیئت به عنوان نهادی که دارای اختیارات قانونی لازم است، روابط قانونی و حقوقی با مسئولان، مدیران و اعضای آن نهاد، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه و دانشجویان دارد. این سه رابطه به عنوان «روابط پایه» در شکل ۱ نشان داده شده‌اند. هر یک از این روابط حاوی پرسشها

و مسائلی در خصوص اختیارات [معمولاً اختیارات هیئت امنا] و حقوق [معمولاً حقوق مسئولان، مدیران و کارکنان، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه یا دانشجویان] است. روابط قانونی و حقوقی بین مسئولان، مدیران و کارکنان نهاد، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه و دانشجویان آن برقرار است. سه رابطه ثانویه نیز در شکل وجود دارد. اعضای هیئت‌علمی همچنین، با دیگر استادان دارای روابط قانونی و حقوقی هستند، همان گونه که دانشجویان با دانشجویان دیگر و مسئولان، مدیران و کارکنان با دیگر مسئولان، مدیران و کارکنان روابط قانونی دارند. روابط ثانویه نیز حاوی پرسشهایی در خصوص اختیارات و حقوق هستند.



شکل ۱- روابط حقوقی و قانونی در نهادهای آموزش عالی (Kaplin and Lee, ۲۰۰۷)

سه رابطه پایه و اصلی قانونی مشخص شده در شکل ۱ نقطه تمرکز اصلی قوانین آموزش عالی هستند؛ یعنی در بخش داخلی هیئت امنا با دانشجویان، استادان و مدیران و کارکنان رابطه قانونی دارد. علاوه بر این، این نهاد دارای روابط قانونی و حقوقی با جهان خارج از دانشگاه و مؤسسه است و مسئولان، مدیران، کارکنان، اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان در ادای نقشهای خود ممکن است گاهی اوقات روابط خارجی مشابه داشته باشند. این نکته اهمیت دارد که به‌منظور مطالعه قوانین آموزش عالی باید روابط قانونی مختلف را جستجو و آنها را به بهترین طریق ممکن دسته‌بندی کرد. در نتیجه، هنگام تجزیه و تحلیل یک نظر قضایی یا پرداختن به یک مشکل قانونی و حقوقی مفید خواهد بود که نه تنها آن بخش از دنیای قوانین آموزشی که تحت تأثیر قرار می‌گیرد، مشخص شود و همچنین، فرایند یا ساختار مدیریتی مد نظر و منابع کاربردی قوانین متمایز شوند، بلکه لازم است نوع رابطه (روابط) قانونی موجود نیز مشخص شود (Kaplin and Lee, ۲۰۰۷). نقدی که بر مدل ذکرشده وارد است، این است که روابط در دوره جهانی شدن علم عمدتاً به سوی شبکه‌ای شدن پیش می‌رود و روابط عمودی و افقی را در هم

نوردیده است. هرچند در کشورهای جهان سوم عمدتاً هنوز روابط عمودی پابرجاست. ناگفته نماند که الگوهای دیگری نیز در برخی کشورها وجود دارد که این دو محقق به آن اشاره نکرده‌اند.

### تحول تاریخی حقوق آموزش عالی در اروپا

**الف. مراحل اولیه:** در این دوره دولتهای اروپایی از قانونگذاری گسترده در حریم آموزش عالی خودداری می‌کردند. مراکز مدیریتی و قانونگذاران الزامات قانونی اندکی بر مؤسسات آموزش عالی تحمیل کردند و کانالهای رسمی اندکی فراهم آوردند که از طریق آنها فعالیتهای آنها به‌طور قانونی به چالش کشیده می‌شد. نظریات قانونی موجود به‌طور عمومی در دادگاهها متمرکز بود.

در کشور انگلستان قوه قضاییه با آموزش عالی محترمانه رفتار می‌کرد. دادگاهها در مسائل مربوط به دانشجویان به دکتربین «دانشگاه به مثابه والدین» که برگرفته از حقوق عرفی اولیه این کشور است، متوسل می‌شدند. این دکتربین با قرار دادن نهادهای آموزشی در جایگاه والدین به این نهادها اجازه می‌دهند که تقریباً کنترل نامحدودی بر زندگی دانشجویان داشته باشند و دانشجویان نمی‌توانند ادعایی در باره حقوق اساسی محیط آموزش عالی مطرح سازند. ملاحظات قضایی مشابهی در رابطه دانشگاه با اعضای هیئت‌علمی دانشگاه غالب بود (Kaplin and Lee, ۲۰۰۷).

**ب. مرحله توسعه حقوق آموزش عالی:** از اواسط قرن بیستم رویدادها و شرایط متغیر موجود در اروپا به بروز انقلابی در رابطه بین دانشگاه و قانون منجر شد. دولتهای فدرال و ایالتی به میزان زیادی درگیر فعالیتهای حوزه آموزش عالی شدند و پیش‌نیازها و مجامع قانونی جدید برای چالشهای قانونی به وجود آوردند. دانشجویان، اعضای هیئت‌علمی و دیگر کارکنان و افراد خارجی تمایل و توان بیشتری برای طرح و اقامه دعوی علیه مؤسسات آموزش عالی و مقامات آنها داشتند. دادگاهها تمایل بیشتری به رسیدگی به این دعاوی و صدور حکم در باره بعضی اقدامات خاص مؤسسات آموزش عالی داشتند. آشکارترین و شاید مهم‌ترین تغییر روی داده از هنگام جنگ جهانی دوم در اروپا تاکنون افزایش شدید شمار، حجم و تنوع مراکز آموزش عالی بوده است. اما فراتر از این نکته آشکار که شمار بیشتری از افراد و مؤسسات به اقامه دعوی می‌پردازند، واقعیت حساس و حیاتی ماهیت تغییر یافته‌ی افراد دانشگاهی است (Kaplin and Lee, ۲۰۰۷).

### مسائل حقوق آموزش عالی در کشور انگلستان

کتاب *حقوق آموزش عالی*، نوشته فارینگتون و پالفرمین، در این خصوص یک منبع منحصر به فرد است. آنها در این کتاب توضیح داده‌اند که دانشگاهها و کالجهای انگلستان باید به انبوهی از مسائل قانونی بپردازند و بعضی از آنها خاص و ویژه است، همچون قانون وظایف سازمان، حقوق اعضا، روابط با دانشجویان و کارکنان دانشگاه، قراردادهای تحقیقاتی، خدمات اطلاع‌رسانی و اتحادیه‌های دانشجویی.

بعضی مسائل قانونی دیگر کلی‌تر هستند، از جمله اشتغال، داراییها و مدیریت ریسک. در حالی که دانشگاهها از نظر فنی مؤسسات خودگردان خصوصی محسوب می‌شوند، در واقع، آنها در چارچوب رژیم قانونی و بودجه عمومی فعالیت می‌کنند. علاوه بر این، آنها دارای تمام مسئولیتهای قانونی و حقوقی کارفرمایان و مالکان هستند. شماری از این دانشگاهها دارای حجم انبوهی از دانشجو و کارکنان هستند، به طوری که بزرگ‌تر از شهرهای کوچک‌اند و به مدیریت منابع عمومی و خصوصی می‌پردازند و از نظر رقابت برای پذیرش بهترین دانشجویان و کارکنان، بودجه‌های تحقیقاتی و قراردادهای در داخل و خارج از کشور به طور فزاینده‌ای وارد عرصه تجارت شده‌اند. اما کالجها ضمن آنکه به‌طور کلی کوچک‌تر هستند، دارای دامنه‌ای از مسئولیتهایی‌اند که شباهت بسیار زیادی به مسئولیتهای دانشگاهها دارد (Farrington and Palfreyman ۲۰۰۶).

### مسائل حقوق آموزش عالی در کشور کانادا

شاخص‌ترین اثر در این زمینه پایان‌نامه دکتری هانا (Hannah, ۱۹۹۶) است. هدف این تحقیق اکتشاف و مطالعه ماهیت روابط قانونی و حقوقی بین مؤسسات آموزش عالی کانادا و دانشجویان آنها از طریق تحلیل جامع منابع اولیه و ثانویه موجود در این موضوع و حوزه بود. در این پایان‌نامه از روش‌شناسی سنتی تحقیق تاریخی - حقوقی استفاده شده است. تمام تصمیمات قضایی گزارش شده و گزارش نشده از جمله اختلافات موجود بین مؤسسات آموزش عالی و دانشجویان در حوزه حقوق عرفی از ۱ ژانویه ۱۹۸۲ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ مشخص، خلاصه‌سازی، تحلیل و در ادامه به پنج حوزه اصلی طبقه‌بندی شد: حقوق اساسی (منشور حقوق و آزادیها)، حقوق اداری و مدیریت، حقوق کیفری، حقوق قراردادهای و حقوق مسئولیت مدنی. در این پژوهش سابقه و رویه قضایی هر یک از این پنج محور مرور و با منابع دست دوم ترکیب و مطابقت داده شده است. سرانجام، برای یافتن الگوها و روندها، کل پیکره پرونده‌ها تجزیه و تحلیل شده است. این تحقیق مشخص ساخت که به‌طور کلی، منشور حقوق و آزادیها در دانشگاهها به‌کار گرفته نمی‌شود، اما حداقل در بعضی کالجها به‌کار می‌رود. بنابراین، در پنج گروه و حوزه یاد شده معضل اصلی در آموزش کانادا در قلمرو حقوق اساسی و آزادیهاست.

**منابع حقوق آموزش عالی:** حقوق مدرن آموزش عالی صرفاً محصول آنچه دادگاهها در باره مشکلات و مسائل آموزش می‌گویند، نیست. حقوق مدرن از منابع مختلف، بعضی «خارج» از مراکز آموزشی و بعضی دیگر «داخلی»، گرفته می‌شوند. قانون داخلی در مرکز یا قلب عملیات مرکز آموزش عالی قرار دارد. قانون داخلی قانونی است که مرکز آموزش عالی خود به منظور مدیریت مرکز تنظیم می‌کند. قانون خارجی را مراکز خارج از مرکز علمی تدوین و اجرا می‌کنند. قانون خارجی موجب محدودسازی قانون داخلی و در نتیجه، محدودسازی گزینه‌های مرکز در تدوین قانون داخلی می‌شود. اکنون این دو گروه از

منابع بر اساس مطالب کتاب کاپلین و لی (Kaplin and Lee, ۱۹۹۷) که بر نظام حقوقی متکی امریکاست، معرفی و بازگو می‌شود.

منابع خارجی حقوق آموزش عالی عبارت‌اند از: ۱. قوانین اساسی ایالتی و فدرال؛ ۲. مقررات؛ ۳. مقررات و قوانین اداری و مدیریتی؛ ۴. حقوق عرفی ایالتی؛ ۵. قانون خارجی و بین‌المللی. منابع داخلی نیز عبارت است از: ۱. قوانین و مقررات نهاد دانشگاه؛ ۲. قراردادهای نهاد دانشگاه؛ ۳. رسم و عادت دانشگاهی؛ ۴. سابقه و رویه‌های قضایی. به نظرمی رسد فهرست منابع داخلی برای همه کشورها صادق است. اما فهرست منابع خارجی فقط برای کشورهای دارای نظام فدرال صدق می‌کند.

## روش پژوهش

هدف این مطالعه تبیین مبانی و مباحث نظری و عملی مربوط به حقوق آموزش عالی و سپس، کشف اساسی‌ترین مسائل حقوق آموزش عالی در کشور ایران و دسته‌بندی آنهاست. نوع پژوهش کیفی و اکتشافی و از روش تحلیل حقوقی بهره‌برداری شده است. برای پاسخ به سؤالهای اول تا چهارم روش تحقیق نظری و اسنادی<sup>۷</sup> است. برای پاسخ به سؤالهای پنجم و ششم مطالعه‌ای اکتشافی مبتنی بر مصاحبه نیمه‌ساختار یافته<sup>۸</sup> با مدیران و کارشناسان ذی‌ربط صورت گرفته است. در تحقیق حاضر پاسخگویی به سؤالهای زیر مورد توجه قرار گرفته است:

۱. نظریه‌ها و مفاهیم عمده در حق بر آموزش و حقوق آموزش عالی چیست؟
۲. در اسناد حقوق بین‌الملل «حق بر آموزش» چه جایگاهی دارد؟
۳. قلمرو مباحث حقوق آموزش عالی در سطح نظری شامل چه ابعاد و مباحثی است؟
۴. حقوق آموزش عالی شامل چه سطوحی است و روابط نظام مدیریت آموزش عالی با حقوق آموزش عالی چیست؟ ذینفعان اصلی نظام حقوق آموزش عالی چه کسانی هستند؟
۵. اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین مسائل حقوق آموزش عالی در ایران کدام‌اند؟
۶. چه راهکارهایی برای اشراف و آگاهی مدیران و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان آموزش عالی به حقوق آموزش عالی پیشنهاد می‌شود؟

## یافته‌ها

**الف. گونه‌شناسی قوانین و مقررات اصلی آموزش عالی کشور ایران:** در این بخش خلاصه یافته‌های بررسی ۴۹ مورد از قوانین و مقررات اصلی ارائه می‌شود. منظور از قوانین و مقررات اصلی

۷. Documentel Method

۸. Semi-structured Interview

قوانین و مقرراتی است که اجرای آن کل مجموعه آموزش عالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این قوانین از کتاب مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و کتاب حقوق پژوهش (۱۳۸۸) و مجموعه قوانین آموزش عالی (Golpaygani, ۱۹۹۵) و مجموعه‌های مشابه استخراج شد. واژه مقررات بر تنظیماتی دلالت دارد که مقام صلاحیتدار در حوزه مسئولیت‌هایش به منظور اجرایی کردن قوانین، تدوین، تصویب و اجرا می‌کند. از آنجا که وضع قانون تنها در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است، بر اساس تعریف یادشده مصوبات سایر مراجع مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی «مقررات» تلقی می‌شوند. ناگفته نماند که در کشور ایران برخی از این مقررات دامنه تأثیری به مراتب بیشتر از برخی قوانین دارند [مانند مصوبه تشکیل هیئتهای امانا در شورای عالی انقلاب فرهنگی]. دقت نظر در گونه‌شناسی قوانین و مقررات اصلی آموزش عالی نکات جالبی را به دست می‌دهد:

- از ۴۹ مورد قوانین و مقررات یادشده، مرجع تصویب ۲۲ مورد آن شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹ مورد مجلس شورای اسلامی [یا مجلس شورای ملی] و ۸ مورد آن سایر مراجع بوده‌اند؛
- از ۳۳ مورد قوانین و مقررات تصویب شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مرجع تصویب ۶۷ درصد آنها شورای عالی انقلاب فرهنگی [یا ستاد انقلاب فرهنگی] بوده است؛
- از نظر موضوعی ۱۴ مورد معادل ۲۸/۵ درصد آنها مربوط به توسعه ساختاری و تشکیلاتی بوده است؛
- ۱۳ مورد معادل ۲۶/۵ درصد مربوط به قوانین و مقررات مدیریتی و اداری و مالی است؛
- ۸ مورد معادل ۱۶/۳ درصد مربوط به قوانین دانشجویی، گزینشی و انضباطی است؛
- ۷ مورد معادل ۱۴/۲ درصد مربوط به قوانین آموزشی و فرایندهای علمی است؛
- ۴ مورد معادل ۸/۱ درصد مربوط به حقوق بنیادین (حق آموزش) است؛
- ۳ مورد معادل ۶/۱ درصد مربوط به تحقیقات است.

دورنمای یادشده، نشان می‌دهد که ۵۵ درصد مصوبات و قوانین اصلی آموزش عالی ایران در حوزه‌های تشکیلاتی و ساختاری و اداری و مالی است و جنبه‌های علمی و آکادمیک در کانون توجه نبوده است. به‌گونه‌ای که فقط ۱۴/۲ درصد این مجموعه را قوانین آموزشی و فرایندهای علمی تشکیل می‌دهد [برای مطالعه تفصیلی به گزارش تحقیق مراجعه شود].

**ب. منابع حقوق آموزش عالی در کشور ایران:** منابع حقوق آموزش عالی در کشور ایران متنوع و پویا است. این میران تنوع مانند یک شمشیر دولبه است که هم نوعی فرصت و غنا بخشی بیشتر و هم موجب آسیب‌پذیری و تشتت قوانین و مقررات آموزش عالی شده است. منظور از مقررات مصوباتی است که در مراجعی غیر از مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. این منابع را می‌توان به دسته‌های مختلف تقسیم کرد:

۱. اسناد و کنوانسیونهای بین‌المللی که کشور ایران به آنها پیوسته است، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی سیاسی و فرهنگی؛



۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول ۳، ۱۵، ۱۶، ۳۰ و ۴۳)؛
۳. قوانین عادی کشور مانند قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون تجارت و ...؛
۴. قوانین آموزش عالی مصوب قوه مقننه مانند قانون اهداف و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و قوانین برنامه‌های پنجساله توسعه؛
۵. مصوبات ستاد و شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
۶. مقررات مصوب در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شورای عالی علوم تحقیقات و فناوری؛
۷. مصوبات هیئت‌های امانا؛
۸. مصوبات شورای گسترش آموزش عالی و شورای عالی برنامه‌ریزی.

**ج. سطوح و لایه‌های نظام آموزش عالی در کشور ایران و مسائل حقوقی هر سطح:** در این مطالعه سطوح و لایه‌های نظام آموزش عالی به سه لایه اجرایی، میانی و عالی و در نهایت، شش بخش تقسیم شده که هر بخش با مسائل خاص حقوقی خود مواجه است. تعیین نوع مسئله اصلی در هر لایه با اتکا به مطالب مصاحبه‌ها تعیین شده است و می‌تواند مبنای یک راهبرد حقوقی باشد. شایسته است که در نظام قانونگذاری به صورت همزمان به هر سه لایه توجه شود. همچنین، با توجه به ردیف آخر جدول ۳ تمرکز تلاشها بر مسئله اصلی در هر سطح مطلوب است. منظور از لایه میزان تمرکز اختیارات است. وضعیت موجود کشور ایران، همان‌گونه که در جدول ۳ نشان داده شده است، وجود این سه لایه با توجه به تنوع اختیارات مشهود است.

جدول ۳- سطوح و لایه‌های نظام آموزش عالی در کشور ایران

سطح عالی	سطح میانی (ستادی)	سطح اجرایی	سطح نوع
<ul style="list-style-type: none"> <li>- شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری</li> <li>- شورای عالی انقلاب فرهنگی</li> <li>- مجمع تشخیص مصلحت نظام</li> <li>- معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری</li> <li>- کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس</li> <li>- معاونت برنامه‌ریزی راهبردی ریاست جمهوری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری</li> <li>- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی</li> <li>- دانشگاه پیام نور مرکزی</li> <li>- دانشگاه جامع علمی - کاربردی</li> <li>- دفتر مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی</li> <li>- اتحادیه دانشگاهها و مؤسسات غیردولتی - غیرانتفاعی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- دانشگاههای دولتی</li> <li>- دانشگاههای وابسته به دستگاهها</li> <li>- واحدهای پیام نور</li> <li>- واحدها و مراکز علمی - کاربردی</li> <li>- مؤسسات پژوهشی دولتی</li> <li>- واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی</li> <li>- دانشگاههای غیرانتفاعی</li> <li>- مؤسسات پژوهشی خصوصی</li> <li>- کانونهای تفکر</li> </ul>	دولتی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- موازی کاری</li> <li>- نبود تقسیم کار ملی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- مشکل تصدیگری و لزوم تمرکز بر سیاستگذاری اجرایی و هماهنگی و نظارت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- درخواست استقلال و خودمختاری بیشتر</li> </ul>	مسئله اصلی حقوقی

د. مسائل کلیدی حقوق آموزش عالی: این نتایج مبتنی بر یافته‌های مصاحبه با مدیران و خبرگان است. در این بخش پاسخگویان به ۲۱ پرسش به تفصیل پاسخ داده‌اند [برای مطالعه تفصیلی به اصل تحقیق مراجعه شود]. نمونه مسائل کلیدی حقوق آموزش عالی در کشور ایران مستخرج از مصاحبه‌ها به اختصار در ستون دوم جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- نمونه مسائل حقوقی آموزش عالی

نمونه مسائل حقوقی آموزش عالی در کشور ایران	نمونه مسائل حقوقی در نظامهای آموزشی عالی پیشرفته
- چالشهای حقوقی استقلال اداری و مالی دانشگاه(تعارض قوانین)	- مسائل حقوقی کمکهای دولتی به دانشگاهها
- وجود همزمان تراکم، تعارض، نقص و نبود قوانین و مقررات	- مسائل حقوقی بین‌المللی سازی آموزش عالی
- نبود تنقیح قوانین و مقررات آموزش عالی و سردرگمی مدیران	- مسائل حقوقی یادگیری دایمی و مادام العمر
- تعدد مراجع قانونگذاری و وضع مقررات	- چالشهای حقوقی ناشی از افزایش دانشجویان دختر، بزرگسال، نیمه وقت، پاره وقت، سیاه پوست و خارجی و نحوه حمایت از آنان و مسئله برابری
- مسئله ضعف ضمانت اجرای قوانین و مقررات	- آموزشهای مجازی و زیرساخت حقوقی آن
- ضعف تعامل بین نهادهای قانونگذار، سیاستگذار و مجری	- دخالت قوه قضاییه در مسائل آموزشی و دانشگاهی
- ابهام در چگونگی بازرسی و نظارت بر نهادهای علمی	- برابری جنسیتی در کلاس درس
- مسائل مربوط به کارکرد و ساختار دفاتر حقوقی	- مسائل جذب و استخدام
- ضعف بنیانهای حقوق، مالکیت فکری دانشگاه و دانشگاهیان	- مسائل اعطای رتبه و مدرک
- مسئله دخالت قوه قضاییه به ویژه دیوان عدالت اداری در فرایندهای دانشگاهی مثل نتایج آزمونها	- آزمونهای استاندارد
- نواقص مربوط به آموزش عالی غیر انتفاعی و خصوصی	- فرصت برابر آموزشی بدون توجه به نژاد، جنسیت، ملیت، مذهب، سن، رنگ و ...
- مسائل مربوط به حق آموزش:	- مسائل شرکتهای دانشگاهی
- ابهامات در سهمیه بندی جنسیتی و بومی گزینی	- اتحادیه‌های دانشجویی
- آموزش زبانهای قومی	- آموزش در خارج از دانشگاه (مانند پایگاههای نظامی)
- برخی احکام کمیته‌های انضباطی درخصوص محرومیت دایم از تحصیل	- امنیت دانشگاه و میزان مسئولیت دانشگاه در حفاظت از دانشجویان
- مشکلات دانشجویان پناهنده (افغانی و ...)	- مسائل حقوقی مسابقات ورزشی(استفاده از برند و ...)
- دسترسی به آموزش عالی با کیفیت در برخی دانشگاهها	- حوادث و سوانح و جنایات در محیط دانشگاه یا سفرهای دانشجویی
	- داراییهای دانشگاه
	- مسائل حقوقی خدمات اطلاع رسانی
	- حقوق اعضای هیئت علمی
	- روابط با دانشجویان و کارکنان
	- مسائل انضباطی دانشجویان
	- آزار جنسی
	- ادامه تحصیل زنان شاغل در ارتش
	- حقوق پژوهش:
	- حقوق بیمار و آزمودنی
	- حقوق مالکیت فکری و حق مؤلف
	- قراردادهای تحقیقاتی
	- حیوانات آزمایشگاهی
	- چالشهای حقوقی نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی

منبع ستون دوم: یافته‌های مصاحبه

هـ. آسیب‌شناسی قوانین آموزش عالی: در پرسشی دیگر نظر پاسخگویان در باره آسیب شناسی قوانین آموزش عالی خواسته شد. خلاصه پاسخها نشان می‌دهد که بیش از ۴۰ درصد آنها معتقدند همه مصادیق آسیب‌زا به صورت همزمان در این قوانین مشهود است (جدول ۵).

جدول ۵- جمع‌بندی پاسخهای داده شده

ردیف	پاسخ	تعداد پاسخگویان
۱	همه موارد	۹
۲	تراکم قوانین	۳
۳	نقص قوانین	۱
۵	تراکم و تعارض و تداخل	۲
۸	در حوزه‌های مختلف متفاوت است	۱
۹	سایر	۴
	جمع	۲۰

و. تقویت ارکان قانونگذاری: پرسش دیگر مربوط به تقویت ارکان قانونگذاری در آموزش عالی است. به این پرسش پاسخهای متنوعی داده شده است. هدف پرسشگر این بود که چنانچه در رکن قانونگذاری خلأ و کمبودی مشاهده می‌شود، چگونگی آن روشن شود (جدول ۶).

جدول ۶- مجموعه پاسخهای ارائه شده

ردیف	پاسخ	تعداد پاسخگویان
۱	نیازی به تقویت رکن قانونگذاری احساس نمی‌شود. مشکل ساختاری نیست	۷
۲	کمیسیون آموزش و تحقیقات باید تقویت شود	۱
۳	کمیسیون خاص آموزش عالی در مجلس شورای اسلامی تأسیس شود	۳
۴	شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه فعال شود (به شرط تغییر ساختار آن)	۱
۵	شورای مرکزی دانشگاهها در این زمینه احیا شود	۱
۶	کمیسیونی مستقل از همه آنها با مشارکت همه ذینفعان و با مصوبه مجلس تأسیس شود (خارج از مجلس شورای اسلامی)	۱
۷	نهادهای و سازکارهای پیش از تصویب در مجلس (ورودی قوانین) تقویت شوند.	۳
۸	بدون پاسخ	۳
	جمع	۲۰

ز. تعامل بین قوه قضاییه و دانشگاهها: در باره وضعیت نحوه تعامل بین قوه قضاییه و دانشگاهها، پاسخگویان بر وجود داشتن مشکل تأکید و برای رفع آن چهار راه حل متفاوت ارائه کرده‌اند:

۱. تفکیک: بررسی جرایم عمومی که در صلاحیت محاکم است، در قوه قضاییه و تخلفات انضباطی در دانشگاهها؛
  ۲. عدم دخالت: حل و فصل همه مسائل در داخل دانشگاهها؛
  ۳. ترکیب: تشکیل هیئت‌های ترکیبی؛
  ۴. تعامل: حل مسائل از طریق تعامل با قوه قضاییه.
- ح. مشکلات حقوقی دانشگاههای خصوصی و غیرانتفاعی:** پرسش دیگر در ارتباط با مشکلات حقوقی دانشگاههای خصوصی و غیرانتفاعی بوده است. نظر پاسخگویان این بود که چون آموزش عالی خصوصی در کشور ایران نوپاست، مشکلات قانونی متعددی وجود دارد. بر اساس یک جمع‌بندی کلی نواقص زیر در این حوزه‌ها مشهود است:
۱. قوانین بازدارنده که راه را بر توسعه این مراکز می‌بندد و محدودیتهای مختلفی را ایجاد کرده است؛
  ۲. کمبود قوانین برای نظارت و ارزشیابی کیفی آنها؛
  ۳. یکطرفه بودن مقررات به نفع دستگاههای دولتی؛
  ۴. وجود مشکلات اساسی در اساسنامه این مراکز به ویژه تعیین مالکیت اموال آنها پس از انحلال و ضرورت وجود یک روحانی در ترکیب هیئت مؤسس.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسائل حقوق آموزش عالی در کشور ایران جنبه ذهنی، علمی، مفهومی و عینی دارند؛ به معنای دیگر، دانش حقوق آموزش عالی در کشور ایران صرفاً مجموعه‌ای از مقررات پراکنده است که جنبه‌های دانش مفهومی و همچنین، دانش رویه‌ای<sup>۹</sup> (ابزاری و عملی و تجربی) در آنها وجود ندارد. از آنجا که هدف اصلی پژوهش حاضر مسئله‌یابی است، با مرور نتایج به دست آمده نکات مهم زیر قابل توجه است:

۱. تعداد مسائل حقوق آموزش عالی در کشور ایران در مقایسه با مسائل مطرح شده در منابع مکتوب اروپا و امریکا محدودتر است. دلیل آن ممکن است عدم بلوغ و تفصیلی نشدن حقوق آموزش عالی در کشور ایران یا ساختار متمرکز و دولتی آن باشد. مطالعات تفصیلی نگارنده و همچنین، یافته‌های مصاحبه‌ها و ملاحظه ستون اول جدول ۴ نشان می‌دهد که در اروپا و امریکا سطح مسائل خرد و تخصصی است [مانند حقوق حیوانات آزمایشگاهی و.....].
۲. زیاد بودن و پیچیدگی مسائل ذی‌ربط نشانه ضعف نظام حقوقی نیست، بلکه می‌تواند نشانه توسعه یافتگی باشد. مثلاً کشورهای پیشرفته مسائل متعددی در این زمینه دارند که در کشور ایران هنوز به صورت حاد مطرح نیستند [مانند برابری جنسیتی در کلاس درس، اتحادیه‌های دانشجویی، حقوق

آزمودنیها در پژوهش، حیوانات آزمایشگاهی و...]. داشتن مسئله در سطح تخصصی در زمینه‌های متعدد باعث توسعه حقوق آموزش عالی در این کشورها شده است.

۳. بر خلاف پیش‌بینی محقق و علی‌رغم توسعه کمی آموزش عالی در سالهای اخیر، هنوز مسائل متعددی در حوزه حقوق بنیادین آموزش وجود دارد. پاسخگویان به چند مورد از مصادیق گوناگون آن اشاره کرده‌اند [بخش دوم از ستون دوم جدول ۴]. تیمی از حقوقدانان متخصص در زمینه حق آموزش و متخصصان آموزش عالی به صورت مشترک می‌توانند پیشنهادهایی برای بهبود متغیرهای حق آموزش در کشور ایران تدوین کنند.

۴. مسئله حقوق آموزش عالی با مسئله هویت و جایگاه آموزش عالی در کشور ایران مرتبط و همبسته است. الگوی توسعه آموزش عالی ایران «الگوی ناپلئونی» بوده است. هدف این الگو صرفاً تربیت کارمندان اداری و تزریق آنها به بدنه دیوانسالاری دولتی است (Zakersalehi, ۲۰۰۴). در طول سالهای پس از انقلاب اسلامی محیط و فضا و الزامات تغییر کرد، اما قوانین و مقرراتی که بر اساس این الگو تصویب شده بود، باقی مانده است. بنابراین، بین ساختار اداری، حقوقی و کارکرد مورد انتظار از دانشگاهها شکاف ایجاد شده است. برای نمونه از دانشگاهها انتظار می‌رود در زمینه فناوری فعال باشند، در حالی که قوانین و مقررات مورد نیاز را فراهم نشده است. در همین خصوص، پاسخگویان در مصاحبه‌ها به نبود قوانین در حوزه فناوری اشاره داشتند.

۵. حقوق آموزش عالی در دو سطح مطرح است: الف. تنظیم روابط در درون دانشگاه؛ ب. تنظیم روابط دانشگاه و آموزش عالی با محیط بیرون (جامعه، صنعت و ...). در کشور ما در هر دو سطح خلأ و مسئله وجود دارد.

۶. یافته‌های مصاحبه با خبرگان نشان داد که در کشور ایران خطوط تمایز بین قانونگذاری و سیاستگذاری روشن نیست. از این رو، نهادهای مختلف به بهانه سیاستگذاری وارد قلمرو قانونگذاری برای آموزش عالی شده و به فضای تشتت موجود دامن زده‌اند. برای نمونه دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام سیاستهای کلان علم و فناوری را ابلاغ می‌کند و همزمان معاونت علمی ریاست جمهوری سیاست مراکز تحقیقاتی را تدوین و ابلاغ می‌کند. آیین‌نامه پرداخت پژوهانه تصویب می‌کند و شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز آیین‌نامه ارتقای استادان را ابلاغ می‌کند. اما مجلس شورای اسلامی که تنها نهاد رسمی قانونگذاری است، چندان علاقه‌ای به ورود به مسائل دانشگاهها ندارد [از بین ۴۹ مصوبه اصلی فقط ۱۹ مورد معادل ۳۸ درصد مصوبه مجلس است].

۷. نهادهایی که به فضای آموزش عالی نزدیک‌ترند، در قلمرو تدوین و پیشنهاد قوانین و مقررات فعال نیستند، مانند هیئت‌های امنا یا شورای مرکزی دانشگاهها [که می‌تواند احیا شود] و شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری. در عین حال، شورای عالی انقلاب فرهنگی بیشترین مقررات را وضع کرده است.

۸. مروری بر مبحث منابع حقوق آموزش عالی نشان می‌دهد که در کشور ایران به بخشی از این منابع ارزشمند توجه نشده است؛ در بخش منابع خارجی بر اساس ماده ۹ قانون مدنی قراردادهای و کنوانسیونهای

بین‌المللی که به آنها پیوسته‌ایم، هم چون قوانین داخلی لازم الاجراست. این میراث جهانی اگر با نگرش مثبت مسئولان همراه شود، به غنا و بالندگی حقوق آموزش عالی کمک شایان توجهی خواهد کرد. در بخش منابع داخلی چنانچه سنتها و رسوم دانشگاهی در کشور ایران تدوین شوند، منبع جالب و بومی و کارآمدی برای توسعه حقوقی هستند. از سویی، گردآوری رویه‌های قضایی و احکام دادگاهها نیز منبع ارزشمند دیگری است که می‌تواند در فرایند توسعه حقوق آموزش عالی به کار آید.

۹. با توجه به توسعه کمی دانشگاهها و وجود داشتن حدود چهار میلیون نفر دانشجو و پنجاه هزار استاد، مسائل حرفه‌ای این قشر مهم است که لازم است مورد توجه ویژه قرار گیرد، اعم از حق آموزش مسائل انضباطی جذب و گزینش و حقوق مالکیت فکری.

علاوه بر موارد یاد شده، پیشنهادهای زیر نیز می‌تواند برای آشنایی بیشتر دانشگاهیان با این حوزه دنبال شود:

۱. فرهنگسازی و اشاعه اطلاعات، برای مثال، انتشار یک مجله معتبر در زمینه حقوق آموزش عالی یا استفاده از امکانات صدا و سیما؛

۲. شروع حرکت غنی‌سازی حقوق آموزش عالی، به نظر نگارنده این حرکت ابتدا باید از جمع‌آوری قوانین موجود آغاز شود و سپس، این قوانین بازنگری و تنقیح و در مرحله بعد تفسیر شوند. این سه گام زمینه را برای گام عمیق‌تر بعدی؛ یعنی نظریه‌پردازی فراهم می‌کند. بنابراین، لزوماً حرکت از نظریه‌سازی شروع نمی‌شود، زیرا این مهم بدون انباشت تجربی کاری عبث است. پس از طی این گامها باید با رویکردی سیستمی مجدداً کلیه قوانین آموزش عالی با مدلی بومی بازشناسی و ترمیم شوند. این یک حرکت مستمر و پویاست، نه یک فرایند ایستا و یکباره.

۳. دانشگاهها که خود تربیت کننده حقوقدان برای دیگر دستگاهها هستند، از توان استادان برجسته خود برای شکل‌دهی به گامهای پیشگفته استفاده کنند. در فرایند تحقیق حاضر برخی از این استادان آمادگی خود را برای همکاری اعلام کرده‌اند.

۴. نرم‌افزار هوشمند قوانین و مقررات آموزش عالی و بسته‌های مورد نیاز دیگر تهیه و در دسترس مدیران قرار گیرد. در این مجموعه‌ها باید نسخ و منسوخ قوانین معلوم باشد تا خواننده دچار سر در گمی نشود.

۵. با تفکیک وظایف یا ادغام نهادهای مکرر و موازی که برای آموزش عالی سیاستگذاری (مقررات‌گذاری) می‌کنند، سردرگمی موجود خاتمه یابد. نگاشت نهادی جدید لزوماً باید رویکرد مقررات زدایی و حمایتی داشته باشد.

۶. برای آشنایی دانشگاهیان و متخصصان با حقوق آموزش عالی یک واحد درسی مرتبط در برخی رشته‌ها مانند مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، سیاستگذاری علم، حقوق بشر، حقوق مالکیت فکری و..... ارائه و تدریس شود.

۷. دوره‌های کوتاه مدت آموزش حقوق آموزش عالی برای مدیران این حوزه برگزار و گذراندن این دوره‌ها به عنوان شرط اجزای شغل در نظر گرفته شود.

## References

۱. Bickel, Robert D. and Lake, Peter F. (۱۹۹۸); *The Rights and Responsibilities of the Modern University*; Durham, Carolina Academic Press, pp. ۱۰۵-۱۵۹.
۲. Birtwistle, Tim (۲۰۰۸); *Legal Aspects of Higher Education in an International Context: Disputes, Resolutions, Methods and Safeguards*; European Association for International Education.
۳. Brevitz, Karl (۲۰۰۳); "Legal Resources for Higher Education Administrators and Faculty Change"; *Academic Research Library*, pp. ۵-۵۶.
۴. Davari Ardakani, Ahmad (۲۰۰۱); *Higher Education Rules and Regulations*; Ministry of Science, Research and Technology. (in Persian).
۵. Department of Research, Ministry of Science, Research and Technology Plan (۲۰۰۶).
۶. Farrington, Dennis and Palfreyman, David, (۲۰۰۶); *The Law of Higher Education*; London, Oxford, pp. ۱۵-۳۱.
۷. Ghari Seyedfatemi, S. M. (۲۰۰۹); *Human Rights in the Contemporary World, Second Version: Analysis Queries of Rights and Freedoms*; Tehran: Institute of Law Researches Studies (in Persian).
۸. Golpaygani, Behrooz (۱۹۹۳); *Higher Education Rules and Regulations*; Ministry of Science, Research and Technology (in Persian).
۹. Golpaygani, Behrooz, (۱۹۹۵); *Higher Education Law*; Tehran: Ministry of Culture and Higher Education (in Persian).
۱۰. Hannah, David (۱۹۹۶); *Student – institution Legal Relationships in Colleges and Universities in the Common Law Provinces of Canada*; A Dissertation, UMI Company, p. iii

۱۱. Hosseini, M. and Salehi, Javad (۲۰۰۹); *Women and Higher Education*; Institute For Research and Planning in Higher Education (in Persian).
۱۲. International Scientific Cooperation Office of Ministry of Education (۲۰۰۰); *Dakar Action Framework, Education for Everyone*; pp. ۳۹-۴۳.
۱۳. Iranmehr, Reza (۲۰۰۸); "Right: Concept, Content, and Theories"; *Maava Journal*, Feb.
۱۴. Jenkins, Charles (۲۰۰۳); *Selected Legal Aspects of Academic Administrative Leadership: An Orientation for New Academic Administrators*; New Directions for Higher Education, No. ۱۲۴, Winter ۲۰۰۳, pp. ۶۵-۷۷.
۱۵. Kalantar, Kiyanoosh (۲۰۰۱); *Handbook of Student Law*, Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education (in Persian).
۱۶. Kaplin, William and Lee, A. Barbara (۲۰۰۷); *The Law of Higher Education*; John Wiley and Sons, pp. ۱-۸.
۱۷. Kaplin, William and Lee, A. Barbara, (۱۹۹۷); *A Legal Guide for Student Affairs Professionals*; Jossey – Bass, pp. ۵-۱۸.
۱۸. Madani, S. J. (۲۰۰۸); *Public Law*; ۱۸<sup>th</sup> Edition, Tehran: Paydar Publication (in Persian).
۱۹. Madani, S. J. (۲۰۰۹); *Comparative Constitutional Law, Including Constitutional Law*; Tehran: Jangal Publication (in Persian).
۲۰. Maddex, Robert L. (۱۹۹۶); *Constitutions of the World*; Routledge.
۲۱. Mitusi, R. C. (۲۰۰۸); *Vision to Develop the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights*, Translated by Mohammad Hbibi, Iran, Ghom, Mofid University, pp. ۵۳۴-۵۴۳.



۲۲. National Research Institute for Science Policy (۲۰۰۹); *Research law* (in Persian).
۲۳. Negahe Bayyeneh Institute (۲۰۰۸); *Constitutions of the Countries*; Tehran (in Persian).
۲۴. Schrecker, Ellen (۲۰۰۱); *Universities and the Law*; *Academe*, Washington: Nov/Dec ۲۰۰۱, Vol. ۸۷, Iss. ۶.
۲۵. Shariat, Bahaeodin (۲۰۰۷); *Recruitment Faculty Member's Code*; Ministry of Science, Research and Technology (in Persian).
۲۶. Taslimi, M. S. (۲۰۰۰); *Necessity Establish and Determining the Position of the Central Council of Universities*; Institute for Reserarrh and Planning in Higher Education (in Persian).
۲۷. University of Tehran (۱۹۹۶); *University Administrative and Financial Autonomy* (in Persian).
۲۸. Zakersalehi, Gholamreza (۲۰۰۱); "Women Participation in Higher Education"; Workshop Articles; Ministry of Science, Research and Technology (in Persian).
۲۹. Zakersalehi, Gholamreza (۲۰۰۴); *Iranian University, Introduction to Sociology of Higher Education*; Tehran: Kavir Publication (in Persian).
۳۰. Zakersalehi, Gholamreza (۲۰۰۹); *National Plan for Iranian Scientific Elites*; Institute for Research and Planning in Higher Education (in Persian).